



20.1001.1.29809185.1402.2.2.2.8

دیدگاه‌های علامه سید عبدالحسین شرف الدین در

«الفصول المهمة فی تألیف الامة» در حوزه تقریب مذاهب اسلامی

وجیهه میری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

چکیده

روابط تشیع و تسنن در ادوار مختلف تاریخی، فراز و نشیب‌های خاصی داشته است؛ از این رو، ریشه‌یابی اختلافات و ارائه راه حل به منظور ایجاد تفاهم مذهبی، همواره دغدغه ذهنی اندیشمندان مسلمان بوده است. یکی از عالمان برجسته که تلاش قابل ستایشی در حل اختلافات فریقین و شفاف‌سازی چهره حقیقی تشیع و ارائه راه حل به منظور دستیابی جامع اسلامی به وحدت و تفاهم انجام داد، علامه سید عبدالحسین شرف الدین العاملی بود که وفاق و وحدت اسلامی را زمینه‌ساز ظهور مجدد تمدن اسلامی می‌دانست. پژوهش حاضر سعی دارد به روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی یکی از آثار علامه به نام «الفصول المهمة فی تألیف الامة» با پاسخ به این دو پرسش، تصویری از اندیشه تفاهم مذهبی ارائه نماید:

۱. علل و نتایج بروز اختلاف میان شیعه و اهل سنت را در چه مواردی می‌توان ریشه‌یابی کرد؟

۲. راهکارهای مؤثر از دیدگاه علامه شرف الدین در زمینه رفع موانع تقریب فریقین و دستیابی به عناصر وحدت در چه مواردی است؟

بر اساس کتاب «الفصول المهمة فی تألیف الامة» تعصب نابجای فریقین، عدم تدبر در آیات قرآن کریم و روایات رسول خدا ﷺ و اهل بیت ، پذیرش جعلیات حدیثی و تاریخی، دنیاطلبی، انتشار خرافات و بدعت‌ها و به‌ویژه دور شدن از اهل بیت  مهم‌ترین موانع تقریب فریقین است که به نابودی عزت اسلام و قدرتمندی دشمنان آن منجر می‌شود. در این بین علم‌آموزی مسلمانان، پرهیز از تعصبات ناروا، گرایش به انصاف، فراگیری اسلام راستین از سرچشمه‌های آن یعنی قرآن کریم، سنت پیامبر  و اهل بیت  مؤثرترین راه‌حل‌ها جهت دستیابی به وحدت میان شیعه و اهل سنت است.

کلید واژگان: علامه شرف الدین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، تفاهم مذهبی، تفرقه، فریقین.

۱. محقق پسادکتری تاریخ تشیع، دانشگاه اصفهان / Vajih.miri@gmail.com

* میری، وجیهه. (۱۴۰۲). «دیدگاه‌های علامه سید عبدالحسین شرف الدین در «الفصول المهمة فی تألیف الامة» در حوزه تقریب مذاهب اسلامی»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۲، صص ۴۹-۲۷.





مقدمه

اندیشمندانی که در جستجوی ایجاد وحدت اسلامی میان شیعه و اهل سنت بودند، در دوره‌هایی از تاریخ اسلامی، راه‌های جدی برای تفاهم و همسازگری مطرح کردند. بسیاری بر این گمانند که این اندیشه محصول یکی دو سده اخیر است؛ یعنی زمانی که استعمار غرب بر مناطق اسلامی هجوم برد و برخی از روشنفکران مسلمان، مراجع و عالمان دین با انگیزه دفاع از کیان اسلام، مسلمانان و جوامع اسلامی را به وحدت فراخوانده‌اند. البته در این که چنین حرکتی در دو سده اخیر بسیار قوی بوده تردیدی نیست اما این گمان که پیش از آن هیچ تلاشی صورت نگرفته باشد درست نمی‌نماید. در واقع در دوره‌هایی از تاریخ اسلامی، راه‌های جدی برای ایجاد تفاهم مطرح شده است.

روابط تشیع و تسنن در دوره‌های مختلف تاریخی اسلامی، دارای فراز و نشیب‌های خاصی بوده و به تناسب مصلحت‌ها یا برخی تفکرات خاص مطرح می‌شده است. در برهه‌ای از قرون سوم و چهارم روابط بین این دو گروه تیره بوده است. در قرون بعد یعنی از اواخر قرن پنجم علیرغم گزارش‌هایی ناشی از نزاع، رد پای جدی تفاهم را در اندیشه‌های شیعی - معتزلی می‌بینیم که به خصوص عالمان بغداد در این راه گام‌های خوبی برداشته و این اعتدال را پرورش دادند. از قرن ششم تا نهم با ورود اندیشه تصوف و عرفان به بخش مهمی از دنیای اسلام، راه تفاهم هموار شد آن هم بدین سبب که این اندیشه اصولاً از یک سو نافی تعصبات مذهبی بود و از سوی دیگر در مفهوم امامت و ولایت با تشیع قرابت داشت. با تعارضات سیاسی عثمانی و ایران راه برای احیای تعارضات گذشته، هموار و تجربه تفاهم به طور کلی از هر دو سوی به کنار نهاده شد که فاجعه‌ای برای مسئله تفاهم اسلامی بود. پس از سقوط صفویه، نادر شاه افشار روی کار آمد و با توسل به زور و بدون توجه به شرایط داخلی و خارجی تلاش‌هایی کرد که با مرگش نیمه کاره ماند. آخرین بار از دوره قاجار مجدداً مسئله تفاهم طرح گردید (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۰-۷).

از جمله آثاری که در قرون پیشین و به منظور تقریب فریقین به نگارش در آمد می‌توان به کتاب «النقض» عبدالجلیل قزوینی (جعفریان، ۱۳۷۱: ۶۲-۶۱)؛ اشعار قوامی رازی از شعرای

سده ششم (جعفریان، ۱۳۷۱: ۷۷-۶۳) و شرح نهج البلاغه علاءالدوله سمنانی از مشایخ بزرگ قرن هفتم و هشتم (جعفریان، ۱۳۷۱: ۹۴-۷۹) اشاره کرد.

تلاش به منظور ریشه‌یابی اختلافات و رسیدن به وحدت در طی قرون ادامه پیدا کرد. اما قرن چهاردهم با مردانی که به منظور احیای دین، مبارزه با بدعت‌ها و دشمنان اسلام، پرچمدار جهاد علمی گردیدند به طور شاخصی جلوه‌گر است؛ افرادی که به منظور هدایت امت اسلامی تلاش کرده و بر تمام مصائبی که در راه رسیدن به هدف خود متحمل شدند صابر بودند. چهره‌هایی چون آیه الله سیدحسین بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰ ق)، آیه الله شیخ محمد جواد البلاغی (۱۲۸۴-۱۳۵۲ ق)، آیه الله سیدمحسن الامین العالمی (۱۲۸۴-۱۳۷۳ ق)، آیه الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (۱۳۷۳-۱۲۹۴ ق)، آیه الله سید عبدالحسین شرف الدین العالمی (۱۳۷۷-۱۲۹۰ ق) و شیخ محمود شلتوت (۱۳۱۰-۱۳۸۳ ق).

۲۹



دیدگاه‌های علامه سید عبدالحسین شرف الدین در «الفصول المهمة» فی تألیف الامة...

یکی از این عالمان برجسته که تلاش قابل ستایشی به منظور حل اختلاف فریقین، شفاف‌سازی چهره حقیقی تشیع و ارائه راه حل به منظور دستیابی جامعه اسلامی به وحدت و تفاهم انجام داد، علامه سید شرف الدین عاملی بود که هر دو گروه را به دقت و مطالعه در اصول مشترک مورد احترام میان خود فرا می‌خواند و در این راستا به نگارش کتب متعدد همت نهاد. ایشان که از سوی علامه امینی، به عنوان «اصلاح‌خواه بزرگوار» خطاب شده که در راه حق و ایجاد اصلاحات بین شیعه و اهل سنت از همه چیز خود می‌گذشت (امینی، ۱۳۶۸، ۷/۱۳) نقش کم‌نظیری در ایجاد رأفت و وحدت میان طوایف و مذاهب اسلامی ایفا نموده است تا جایی که به عنوان «من كبار الدعاة الى الوفاق بين المسلمين» شناخته می‌شود (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸ ق، ۳۰۷/۱۴). این نوشتار، به بررسی اندیشه‌های اصلاحی این شخصیت ارزشمند در کتاب «الفصول المهمة فی تألیف الامة» پرداخته شده است.

پیرامون موضوع مقاله حاضر، مقاله و کتابی به رشته تحریر درنیامده اما درباره مسأله تقریب میان شیعه و اهل سنت، کتب متعددی نوشته و همایش‌های گوناگونی برپا شده که ماحصل آن در قالب مجموعه مقالات ارائه گردیده است. در این رابطه گام‌های مؤثری به



ویژه از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برداشته شده است. آثار این حوزه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

دسته اول؛ آثاری که هر یک به بررسی زندگی، آثار و اقدامات فعالان حوزه تقریب پرداخته‌اند از جمله: آیت الله بروجردی، آیت اخلاص (۱۳۸۴) از عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر، سروش وحدت (۱۳۹۱) از همو، محمد جواد مغنیه، فقیهی نوگرا (۱۳۸۸) از مهدی احمدی، کاشف الغطاء، اذان بیداری (۱۳۹۱) از محمدرضا سماک امانی، سید جمال الدین اسدآبادی، طلایه دار نهضت اتحاد و تقریب (۱۳۸۸) از محمد جواد صاحبی، رجالات التقرب: السید حسین البروجردی، الشیخ المفید، العلامة بدیع الزمان سعید النورسی، الشیخ محمود شلتوت و ... (۱۳۸۸) از محمد مهدی تسخیری، و شیخ محمود شلتوت، آیت شجاعت (۱۳۸۶) از علی احمدی.

دسته دوم؛ آثاری که به شکل کلی به بحث تقریب پرداخته و به منظور رسیدن به راه حل، عوامل وحدت یا تفرقه را مورد بررسی قرار داده‌اند از جمله: در ساحل تقریب (۱۳۸۰) از جعفر سبحانی تبریزی، آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی (۱۳۸۹) از محمد تقی فخلعی، اخوت و برادری در اسلام (به ضمیمه دیدگاه ۱۵۴ دانشمند درباره مذاهب اسلامی) (۱۳۸۶) از سید عبداللطیف سجادی، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی (۱۳۸۶) از محمد علی تسخیری، الامة الواحدة و الموقف من الفتنة الطائفية (۱۳۸۷) از محمد مهدی آصفی، وحدة العالم الاسلامی، افق المستقبل (۱۳۸۹) از سید یحیی صفوی، وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام (۱۳۸۱) از محمد علی تسخیری، و مسیرة التقرب (۱۳۹۰) از محمد علی آذرشب.

حیات علمی علامه شرف الدین در زمینه تقریب مذاهب

سید عبدالحسین بن سید یوسف بن سید جواد بن سید اسماعیل بن سید محمد بن سید ابراهیم، ملقب به شرف الدین الموسوی العاملی از بزرگان علمای اسلام و شیعه در عصر حاضر بود (تهرانی، ۱۴۰۴، ق، ۱۰۸۰/۳؛ مدرس، ۱۳۶۹، ۱۹۶/۳) که در سال ۱۲۹۰ قمری در کاظمین متولد شد و مبادی علوم عربی، منطق، فلسفه و برخی مباحث فقهی را نزد پدر آموخت

(اللجنة العلمية، ۱۴۲۴، ۲۹۹/۵). وی در سال ۱۳۱۰ به عراق رفت و برخی دروس را در دو شهر سامرا و نجف در محضر اساتید بزرگ فراگرفت.^۱ همچنین به یادگیری احادیث پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام و صحابه، از منابع تشیع و تسنن، به صورت دقیق و تحقیقی پرداخت؛ این امر سبب توفیق او در نشان دادن مسائل و روشن کردن حقایق شد (حکیمی، ۱۳۷۵، ۵۵). در سال ۱۳۲۹ به مصر رفت که طی آن مباحثی بین ایشان و شیخ سلیم بشری حول محور امامت روی داد و در قالب کتاب «المراجعات» جمع آوری شد. این کتاب در ایجاد فکر اتحاد اسلامی بی نظیر بود (مدرس، ۱۳۶۹، ۱۹۶/۳) و اسباب گرویدن برخی چهره‌های برجسته اهل سنت از جمله شیخ محمد مرعی الامین سوری (انطاکی) و برادرش شیخ احمد را به تشیع فراهم نمود (ابراهیم زاده، ۱۳۷۷، ۱۶۱/۱؛ رضوانی، ۱۳۸۶، ۲۳). علاوه بر این در مصر مناظراتی با علمای دیگر پیرامون مسائل حدیثی، فقهی، اصولی و کلامی داشت (اللجنة العلمية، ۱۴۲۴، ۳۰۱/۵). در سال ۱۳۴۰ همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی در مسجد الحرام پشت سر او نماز خواندند (قلی زاده، ۱۳۷۲، ۱۴۴). علامه در جمادی الآخر سال ۱۳۷۷ قمری از دنیا رفت و در حرم امیر المؤمنین علی علیه السلام به خاک سپرده شد (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۳۲۱/۱۴؛ اللجنة العلمية، ۱۴۲۴، ۳۰۴/۵).

آثار علامه شرف الدین در حوزه تقریب مذاهب

علامه شرف الدین به رغم اشتغالات فراوان، به تألیف ده‌ها جلد کتاب با تکیه بر دقت کامل در منابع تاریخ اسلام و شناخت احادیث اقدام نمود که برخی از این آثار با موضوع تفاهم و تقریب مذاهب ارتباط دارد:

المراجعات: این کتاب توسط علامه شیخ حیدر قلی سردار کابلی به فارسی ترجمه شد و به اسم المناظرات به چاپ رسید؛

الفصول المهمة فی تألیف الامة: این کتاب مسئله پژوهش نوشتار حاضر است؛

۱. اساتیدی چون حسن بن علی کربلایی (م ۱۳۲۲)، باقر بن علی بن علی آل حیدر (م ۱۳۳۳) و علی بن باقر جواهری و سید محمد صادق اصفهانی. علامه، سطوح فقه و اصول را نزد علمای فاضل کاظمین، سامراء و نجف از جمله آیه الله آخوند خراسانی، آیه الله شریعت اصفهانی و آیه الله سید محمد کاظم یزدی سپری کرد.





اجوبه موسی جار الله: این کتاب در دفع شبهات و اتهامات وارده جار الله به اهل بیت علیهم السلام است؛

المجالس الفاخرة فی مآتم العترة الطاهرة: این اثر از بهترین کتب در مسأله امامت و سیاست است؛

نزیل الآیات الباهرة فی فضل العترة الطاهرة: در مسأله امامت؛

النصوص الجلیة: در مسأله امامت؛

الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء؛ النص والاجتهاد؛ ابوهریره؛ الی المجمع العلمی العربی بدمشق؛ فلسفة الميثاق و الولاية؛ مختصر الکلام فی مؤلفی الشيعة فی صدر الاسلام؛ تفسیر آیه المودة؛ تفسیر آیه انما ولیکم الله و...؛ النصوص الجلیة؛ (تهران، ۱۴۰۴ ق، ۳/ ۱۰۸۷-۱۰۸۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸ ق، ۱۴/ ۳۲۱-۳۲۰؛ اللجنة العلمية، ۱۴۲۴ ق، ۵/ ۳۰۵-۳۰۳).

انگیزه‌های نگارش کتاب «الفصول المهمة فی تألیف الأمة»

این کتاب به زبان عربی و درباره اتحاد، تقرب و همسازگری میان مذاهب اسلامی و نیز دفاع اصولی از مبانی مکتب تشیع به رشته تحریر درآمده و از آن به عناوین منشور برادری و وحدت و بیانیه اسلامی (حکیمی، ۱۳۷۵، ۱۲۲) و «الکثیر الکثیر ممّا یساعد علی التقرب و التفاهم بین المسلمین» (احمدی میانجی، ۱۴۲۲ ق، ۱۴) و «من اجل الكتب الکلامیه» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۹ ق، ۲/ ۲۲۹) یاد شده است. اثری که در کنار «المراجعات» و «النص والاجتهاد» به عنوان نماینده بکر و اندیشه ژرف و شهادت و شجاعت علامه شرف الدین در دفاع از کیان تشیع و مکتب اهل بیت علیهم السلام و پاسخ‌های کوبنده به نامردانی تلقی شده که از صدر اسلام تا زمان او، پا بر روی حق و حقانیت نهاده و چهره اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را مشوش ساخته‌اند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ۲/ ۷۶۴۲).

«الفصول المهمة فی تألیف الأمة» چندین بار و تحت عناوین مختلف به فارسی ترجمه

شده است:

۱. «در راه تفاهم مسلمانان» تحت نظر آیت الله محمد یزدی.

۲. «مباحث عمیقی در جهت وحدت امت اسلامی» توسط صادقی اردستانی.

۳. «مباحثی پیرامون وحدت اسلامی» توسط سید ابراهیم سید علوی.

۴. «ارشاد الامه» توسط سید عنایت علی نقوی به زبان اردو.

در این کتاب مسائل اختلافی بین شیعه و اهل سنت بر اساس شیوه عقلی و با تکیه بر استنتاج و تحلیل مورد بررسی قرار گرفته است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۹ ق، ۲/ ۲۲۹). سبک نگارش علامه در این کتاب، تاریخی، کلامی و روایی است که با بهره‌گیری از نص آیات قرآن، احادیث و روایت حوادث و وقایع تاریخی به بررسی دلایل جدایی و عداوت بین امت اسلامی پرداخته است. ایشان مسئله اصلی جهان اسلام را تفرقه و جدایی میان دو مذهب شیعه و سنی می‌داند. بنابراین محور اصلی نوشته‌ها و تألیفات و نامه‌هایشان به طور عمده در جهت «ایجاد وحدت» و «نزدیکی قلوب مسلمین» و «تقارن ذهن‌ها و اندیشه‌ها» در دنیای اسلام بوده است.

از نظر شرف‌الدین بسیاری از اختلافات میان شیعه و سنی پایه درستی ندارد و سرچشمه آن‌ها، دروغ‌ها، اتهام‌ها و تبلیغاتی است که در شرایط زمانی خاصی مطرح شده و قدرت‌های سیاسی برای اهداف شوم خود آن‌ها را اشاعه داده‌اند (دوانی، ۱۳۷۵، ۶۲). او اصل اتحاد بین مسلمانان را به مثابه یک اصل دینی و شرعی دانسته و هر نوع کوشش علمی و عملی در راه تقویت مذاهب اسلامی را با استنباط از منابع معتبر دینی، واجب شرعی معرفی کرده و تلاش‌های آسیب‌رسان به وحدت امت اسلامی را ممنوع و حرام عنوان می‌کند (ذاکری، ۱۳۸۸، ۳۴).

در باب انگیزه علامه شرف‌الدین از نگارش این کتاب می‌توان موارد زیر را بیان نمود:

۱. پیدایش تفکر وحدت‌گرا در دوره حیات علامه، تأکید و اهتمام قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر این مسأله، تجربه تاریخ ادیان و ملل از یک سو و پیشرفت تمدن غرب و استعمارزدگی کشورهای اسلامی از سوی دیگر از جمله عوامل و انگیزه‌های علامه در درک و احساس وظیفه نسبت به تألیف این کتاب است (دوانی، ۱۳۷۵، ۸).

۲. این کتاب پاسخ به دعاوی کسانی است که با متهم کردن شیعه به ارتداد، حکم تکفیر آنان را صادر کردند؛ در همین زمینه است که علامه در پایان فصل سوم کتاب خود،

علت اصلی نگارش «الفصول المهمة» را اثبات بطلان این قبیل فتواها از جمله فتوای شیخ نوح حنفی دانسته که در کتاب «الفتاوی الحامدیه» خود، ضمن کافر دانستن شیعیان، جنگ و کشتار آنان را واجب و اسارت زنان و کودکان شیعه و غارت اموال ایشان را مباح اعلام کرده بود (شرف الدین، بی تا، ۲۲).

در بخشی از فتوای شیخ نوح حنفی علیه شیعیان آمده است:

«کشتن این اشرار کافر [شیعیان] چه توبه کنند و چه توبه نکنند واجب است چرا که اگر توبه کنند و اسلام بیاورند بنابر قول مشهور به دلیل اجرای حد، کشته می شوند و پس از کشتن، احکام مسلمانان بر آنان جاری می شود و اگر هم بر کفر و عنادشان باقی ماندند به دلیل کفرشان کشته می شوند و پس از مرگ احکام مشرکین بر آنان جاری می شود. جایز نیست که نه با گرفتن جزیه، بر عقیده خود رها شوند، نه با امان موقت و نه با امان دائمی. به بردگی گرفتن زنانشان هم جایز است چرا که به بردگی گرفتن زن مرتد پس از آن که به دارالحرب ملحق شد جایز است و هر جایی که از ولایت امام حق خارج شود به منزله دارالحرب است و به بردگی گرفتن فرزندانشان به تبعیت از مادرانشان جایز است به این دلیل که فرزند در مسأله برده گرفتن از مادر تبعیت می کند و الله اعلم»!!! (ابن عابدین الحنفی، ۱۴۲۸ ق: ۲۰۰-۲۰۲).

۳. با توجه به این مسأله که از زمان نگارش کتاب «الفصول المهمة» در سال ۱۳۲۷ هجری قمری تا زمان اعلان فتوای «شیخ محمود شلتوت»، رئیس وقت الازهر، مبنی بر به رسمیت شناختن فقه جعفری در کنار مذاهب فقهی اهل سنت، بیش از پنجاه سال است، می توان به این نتیجه رسید که در زمان حیات علامه، تشیع، مذهبی غیر قانونی و غیر رسمی محسوب می شده و شیعیان اهل بدعت به شمار می رفته اند و به راحتی تکفیر می شده اند؛ لذا بسیار منطقی است که کوشش در شناساندن شیعه و دفاع از آن، به هدف وحدت بخشیدن به جامعه بهتر کمک می کرد (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ۴۹).

۴. همچنین فراخواندن جامعه بزرگ اسلامی به اتحاد و پاره کردن پرده نفاق، فریب و جهلی که مقابل چشمان بسیاری از توده مردم قرار گرفته بود از عوامل نگارش این کتاب دانسته شده است. در همین زمینه بود که سید شرف الدین در ضمن فصول مهم این کتاب،

حقایق بسیاری را که برای آگاهاندن مسلمانان شیعه و اهل سنت سودمند و لازم است گردآوری نمود و با بیان روشن، صمیمی و بلیغ خود عرضه داشت تا از یک سو سبب ایجاد الفت میان اهل سنت و شیعه شود و از سوی دیگر جهل پراکنی‌های عالمان مغرض، نویسندگان جاهل و ایادی خائن را از بین ببرد (حکیمی، ۱۳۷۲، ۱۲۲).

فصول دوازده گانه کتاب

کتاب «الفصول المهمة فی تألیف الأمة» در دوازده فصل تنظیم شده که تأملی در این فصول به خوبی می‌تواند گویای مباحث وحدت‌گرای آن باشد.

فصل اول: نقل آیاتی از قرآن و سنت پیامبر ﷺ که مردم را به اجتماع و دوستی دعوت می‌کنند.

فصل دوم: درباره معنای ایمان و اسلام که تنها راه رسیدن به آخرین مراتب رضوان الهی است.

فصل سوم: بیان بخشی از روایات اهل سنت که بر مبنای آن، خون، مال و حیثیت گویندگان "لا اله الا الله، محمد رسول الله" محترم و مصون خواهد بود.

فصل چهارم: بیان روایاتی از اهل بیت علیهم السلام که درباره اهل سنت حکم به اسلام کرده و آنان را در تمام آثاری که بر هر مسلمانی مترتب است چون شیعه می‌دانند.

فصل پنجم: ذکر پاره‌ای از احادیث معتبر نزد اهل سنت که بر اساس آن تمام موحدان و یکتاپرستان اهل نجاتند.

فصل ششم: ذکر فتاوی علمای اهل سنت که اهل توحید را مؤمن و گویندگان شهادتین را اهل نجات می‌دانند.

فصل هفتم: ذکر احادیثی از اهل سنت که حاوی بشارت برای شیعیان است.

فصل هشتم: بیان سرگذشت عده‌ای از پیشینیان که علی‌رغم مخالفت با اکثریت به عدالتشان زیانی نرسیده است. این فصل گسترده‌ترین فصل کتاب است که شرف‌الدین با طرح مباحث متعدد، تمام جوانب اجتهاد برخی صحابه را که علیرغم وجود مغایرت با قرآن و سیره پیامبر خدا ﷺ، مورد قبول اهل سنت واقع شده، مورد بررسی قرار داده است.





فصل نهم: نقل استدلال‌های فتاوی کسان‌ی که شیعیان را کافر دانسته‌اند و پاسخ به این فتاوا.

فصل دهم: بیان نسبت‌های ناروایی که دروغ‌پردازان، شیعه را به آن متهم کرده‌اند.

فصل یازدهم: در بیان وجود تعصب‌های کورکورانه باقی مانده از روزگار بنی‌امیه.

فصل دوازدهم: علامه در این فصل، علت فاصله گرفتن دو فرقه را از یکدیگر توضیح داده و جهت اصلی بدینی آنان را بیش از آنچه در فصول قبل گذشت، مورد واکاوی قرار داده است.

رئوس دیدگاه‌های وحدت‌گرای علامه شرف‌الدین در کتاب «الفصول المهمة»
با تأملی در کتاب «الفصول المهمة فی تألیف الأمة» می‌توان به دیدگاه‌های وحدت‌گرای علامه شرف‌الدین اشراف پیدا کرد. این دیدگاه‌ها در بندهای زیر قابل تفکیک‌اند:

۱. **تلاش به منظور احقاق حق شیعه و رد اتهامات وارده بر این مذهب به منظور ایجاد مصالحه و تألیف فریقین؛** علامه برای دستیابی به این هدف علاوه بر معرفی مذهب تشیع، هر چیزی که ذهن اهل سنت را نسبت به شیعه مخدوش کرده روشن نموده تا سره را از ناسره جدا نماید. وی در فصل دهم و یازدهم برای رسیدن به این منظور با رد اتهامات اهل سنت، شیعیان را در رعایت احکام الهی حریص و تحریف قرآن را ناسازگار با مبنای مشهور شیعه دانسته است.

۲. **آشنایی با بزرگان صدر اسلام و اقدامات ایشان؛** در کتاب «الفصول المهمة» بزرگانی معرفی شده‌اند که هر یک به سبب تأثیری که اقدامات ایشان در تألیف یا تفرقه میان امت بر جای نهاده توسط علامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۳. **تلاش در نشان دادن چهره تسامح نگر اسلام با ارائه احادیث و روایات تاریخی متعدد؛** علامه شرف‌الدین در کتاب «الفصول المهمة» روایات و احادیث فراوانی ذکر می‌کند که گویای روح بزرگ و تسامح‌گر اسلام است. ذکر این احادیث و روایات نشان از تبحر علامه در دانش حدیث و تاریخ اسلام دارد.

۴. تلاش در شناساندن چهره اهل بیت علیهم السلام از طریق بیان جایگاه ایشان با توسل به آیات قرآن کریم و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ شیعه معتقد است که امامت در امتداد نبوت قرار دارد و فرقی میان قول و فعل و تقریر امامان علیهم السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله، به جز مسأله وحی، نیست؛ بر همین اساس، همان گونه که سنت رسول الله صلی الله علیه و آله یکی از منابع و پایه های شناخت احکام شرعی در حوادث واقعه و موضوعات مستحدث است، سنت امامان علیهم السلام نیز یکی از منابع شناخت به شمار می آید (جناتی، ۱۳۶۷: ۷۶-۷۵). علی رغم اهمیت این مرجعیت، انحراف جامعه اسلامی از امامان معصوم علیهم السلام فقط به انزوای آنان از حکومت خلاصه نشد، بلکه در مقابل مرجعیت علمی ایشان نیز جامعه اسلام آن چنان که شایسته بود سر تسلیم فرو نیاورد؛ اقدامی که پیامد آن چیزی جز ابتلا به انحراف و بدعت نبود. حاکمان جور تنها به غصب مرجعیت سیاسی امامان شیعه علیهم السلام بسنده نکردند، بلکه با نفی مرجعیت علمی و دینی آنان، مردم را از جانشینان به حق رسول الله صلی الله علیه و آله دور ساختند. در حالی که بنا بر حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله فاصله گرفتن جامعه و عدم پیروی از امامان معصوم علیهم السلام نتیجه ای جز تسلط اشرار و انزوای شایستگان نخواهد داشت (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳۷۴/۲).

بر پایه آنچه بیان شد، علامه شرف الدین همچون محمد حسین آل کاشف الغطاء، محمد رضا مظفر و آیت الله سید حسین بروجردی از آن دسته عالمان آگاه به زمان بود که به این نتیجه رسیدند طرح موضوع مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در محافل علمی و صحفه گفتگوی مذاهب از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. آنان به این واقعیت توجه کردند که طرح مناقشات تاریخی خلافت و حقانیت و عدم حقانیت خلفا، هیچ گاه به نتیجه نخواهد رسید و با توجه به فضای تعصب آلود میان مسلمانان تنها به تشدید خصومت ها و تحریم عواطف و تعمیق شکاف بین مذاهب می انجامد. بنابراین با رویکردی جدید کوشیدند گفتگوها را بر محور مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام هدایت کرده و از این راه بدون توسل به مسائل محرک به نتایج ملموس تری در جهت اثبات امامت دینی ائمه علیهم السلام دست پیدا کنند (فخلعی، ۱۳۸۳، ۱/۱۸۹).

۵. تنظیم کتاب «الفصول المهمة فی تألیف الامة» بر اساس منابع اهل سنت؛ تمام مباحث این کتاب که به منظور تألیف امت و رفع اتهام از شیعه ارائه شده از مهمترین منابع



روایی و تاریخی اهل سنت اخذ شده که امتیاز بزرگی برای این کتاب محسوب می‌شود. شرف‌الدین در پایان بخش سوم به این مسأله که کتب شش‌گانه معتبر نزد اهل سنت مملو از احادیثی است که می‌تواند میان امت اسلامی الفت ایجاد کند اشاره کرده است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۳۸).

۶. **نقل روایت از طریق صحابه؛** شرف‌الدین در فصولی از کتاب «الفصول المهمة» به منظور روشن ساختن چهره حقیقی اسلام که اصول و شرایط سهلی برای مسلمان دانسته شدن یک فرد و پرهیز از تکفیر او مطرح کرده، نقل‌های متعددی از صحابه‌ای که نزد اهل سنت از اعتبار خاصی بهره‌مندند ارائه داده است؛ روایت‌هایی که این افراد به نقل از رسول الله ﷺ بر زبان جاری کرده‌اند. افرادی چون طلحة بن عبیدالله که با نقل روایتی از رسول خدا ﷺ اسلام را در سه مسأله اعتقاد به نماز، روزه رمضان و زکات عنوان می‌کرد (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۴)، عبدالله فرزند خلیفه دوم که به نقل از رسول خدا ﷺ شرایط مسلمانی را تنها در چهار اصل پرستش خداوند، برپایی نماز، پرداخت زکات و ادای روزه ماه رمضان می‌دانست (شرف‌الدین، بی‌تا: ۱۶-۱۵) و جان و مال و آبروی مسلمانان را بر یکدیگر حرام اعلام می‌کرد؛ عثمان بن عفان نیز با بیان روایتی از رسول خدا ﷺ، قائلان به «لا اله الا الله» را اهل بهشت می‌دانست (شرف‌الدین، بی‌تا، ۲۹).

۷. **معرفی دیگر کتب وحدت‌گرای علامه شرف‌الدین در کتاب «الفصول المهمة»؛** دیگر آثار علامه به منظور افزایش آگاهی‌ها پیرامون مطالب کلیدی در ایجاد الفت میان امت راهگشاست؛ کتاب‌هایی که پیش از کتاب «الفصول المهمة» توسط سید به رشته تحریر درآمده است؛ کتاب‌هایی که نشان از جستجو و تبحر این عالم برجسته در تمام زوایای مباحث مورد نظر خود دارد، از جمله «سبیل المؤمنین» در رابطه با ولایت آل محمد ﷺ و وجوب دوستی و حرمت دشمنی با امام علی ﷺ که به بیان نویسنده، ادله روشن و قاطع در این کتاب آمده و هیچ نقطه مبهمی باقی نگذاشته است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۳۲). یکی از موارد اختلافی شیعه و سنی مسأله متعه است که شرف‌الدین ضمن این که نسخ متعه را از ابداعات خلیفه دوم دانسته، کتاب «النجعة فی المتعه» را معرفی نموده و تمام روایات آن را از طرق اهل سنت جمع کرده است؛ ایشان در مبحث گریه بر مردگان که سبب تکفیر شیعیان

توسط برخی مفتیان اهل سنت شده، قبح این فتاوا را در کتاب «الاسالیب البدیعة فی رجحان ماتم الشیعة» و نیز در مقدمه «مجالسنا الفاخرة فی ماتم العترة الطاهرة» که مستند به کتب شیعه و سنی است، رد کرده است (شرف الدین، بی تا، ۱۸۲).

۸. **درخواست از دشمنان مبنی بر مستند صحبت کردن؛** از شیوه‌های اصلاحی سید شرف الدین که به خصوص در فصل نهم کتاب، بسیار پر رنگ جلوه کرده درخواست ارائه مستندات از سوی دشمنان و قائلین به تکفیر شیعیان است. شرف الدین از یک سو با خطاب قرار دادن افرادی چون شیخ نوح حنفی صاحب کتاب «الفتاوی الحامدیه» که به نه دلیل بدون سند، حکم به تکفیر شیعیان و در نتیجه هدر شدن جان، مال و ناموس ایشان داده، خواهان ارائه سند برای اتهاماتی است که علیه شیعه مطرح کرده‌اند. از سوی دیگر ایشان با استناد به منابع، به رد تمام دعاوی اتهام‌زنندگان همت نهاده است؛ به صورتی که در مواردی ایشان را به کتب شیعه در اصول، فروع، تفسیر و حدیث ارجاع داده (شرف الدین، بی تا، ۱۴۶) و در مواردی به آرای علمای اهل سنت همچون ابوحنیفه، اشعری، امام شافعی، سفیان ثوری و... که شیعه و غیر شیعه را مسلمان دانسته‌اند باز گردانده است (شرف الدین، بی تا، ۱۵۰)؛ به عنوان مثال شرف الدین در باب کافر دانستن شیعه به دلیل سب صحابه، ضمن رد این اتهام، با فرض وجود این مسأله میان برخی شیعیان، بدگویی را به استناد به شش دلیل و ارجاع به مستندات تاریخی و سیره شیخین و نیز فتاوی بسیاری از بزرگان اهل سنت، سبب تکفیر ندانسته است (شرف الدین، بی تا: ۱۶۲-۱۵۹).

۹. **احترام به بزرگان اهل سنت؛** علامه در فصل ششم کتاب «الفصول المهمة»، فتاوی بزرگان اهل سنت را ذکر کرده است؛ این فتاوا نشانگر آن است که اهل توحید و شهادتین، مؤمن و اهل نجاتند. علامه در این بخش از کتاب خود از افرادی همچون ابن اثیر، صاحب «اسد الغابة» به سبب رعایت اعتدال و انصاف قدردانی کرده است.

پیش از این آوردیم که یکی از علل کدورت میان شیعه و اهل تسنن، توهین برخی بزرگان اهل تسنن به شیعیان است؛ شرف الدین در تمام کتابش با رویکرد اصلاحگری میان دو گروه، از اهل سنت با احترام یاد کرده و همواره از تعبیری همچون «برادران اهل سنت»، «اهل جماعت» و یا «جمهور» بهره می‌گیرد. ضمن این که در موارد بسیاری نیز از بزرگان



اهل سنت با ذکر القاب و رحمت یاد نموده مگر فردی چون شیخ نوح حنفی که با دروغ و گناه و وارد کردن اتهام‌های بی‌اساس به شیعیان، برای خودش احترامی باقی نگذاشته است.

علل و پیامدهای تفرقه و راه‌های رسیدن به وحدت بر اساس «الفصول

المهمة فی تألیف الأمة»

کلمه "اصلاح" در معنای صلح و آشتی دادن و در مقابل تبهکاری و فساد آمده و جهت بهبود حال مؤمنان و رسیدن به کمال سعادت به آن توصیه شده است (آمدی، ۱۳۷۸: ۶۵۰-۶۴۹). بر مبنای سخن امام علی (ع)، مُصلِح باید فاقد سه صفت باشد: مصانعه، مضارعه و طمع^۱. بر همین مبنا نخستین اقدام لازم برای مصلحان، بازگرداندن ایمان و اعتقاد جامعه به خود واقعی، یعنی فرهنگ و معنویت اصیل اسلامی است که باید پشتوانه نهضت‌های اصلاحی قرار گرفته و علمای متخصص اسلامی، هدایت این نهضت را به دست گیرند (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۳۰-۳۱). با مطالعه «الفصول المهمة» اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه علامه شرف‌الدین با هدف دستیابی به وحدت و رفع موانع تقریب را می‌توان تحت چند عنوان دسته‌بندی کرد:

الف. واکاوی علل ایجاد تفرقه میان مسلمانان (موانع تقریب)

بیشترین تلاش سید شرف‌الدین در حل اختلاف فریقین، ریشه‌یابی علل به وجود آمدن تعارضات میان دو گروه است که آن را ناشی از اقدامات تفرقه‌اندازان می‌داند؛ کسانی که به دلایل متعدد در طول تاریخ، ضمن ایجاد اختلاف، بر آتش آن دمیده و اسباب ضعف اسلام را فراهم نمودند. با مطالعه کتاب «الفصول المهمة» می‌توان علل مذکور را در موارد زیر احصا کرد:

۱. تعصب نابجا (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۶).
۲. آشوب‌طلبی بسیاری از حکمرانان و صاحب‌منصبان اهل سنت (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۶).
۳. خودخواهی‌های بازمانده از جاهلیت (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۶).

۱. امام در حکمت ۱۱۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّمَا يُقِيمُ أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ مَنْ لَا يَصْنَعُ وَلَا يَضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ؛ تنها کسی می‌تواند فرمان خدا را به پا دارد که سازش کاری و هم‌رنگی نکند، و از پی مطامع خود نرود.



۴. بی توجهی به مصلحت جهان اسلام (شرف الدین، بی تا، ۲۵).
۵. اهمال نسبت به یادگیری احادیث صحیح و پذیرش احادیث جعل و کذب (شرف الدین، بی تا، ۲۵).
۶. هوی و هوس (شرف الدین، بی تا، ۳۳).
۷. عدم توجه به فتاویٰ منصفین اهل سنت (شرف الدین، بی تا، ۳۳)؛ در این خصوص منظور علامه این است که میان بزرگان اهل سنت، چهره‌های منصفی چون شیخ محمود شلتوت وجود دارند که بدون کینه‌ورزی و پیروی از تعصبات نابجای مذهبی، شیعه و حقیقت آن را مورد مطالعه قرار داده و بر اساس حقیقت رأی صادر کرده‌اند. این افراد به شیعیان، به عنوان افرادی خارج از دایره اسلام نگاه نمی‌کنند.
۸. تجزیه‌طلبی جهان اسلام (شرف الدین، بی تا، ۳۳).
۹. عدم تدبیر در قرآن کریم که حقایق احکام از آن استخراج می‌شود (شرف الدین، بی تا، ۷۵). در این خصوص نظر علامه منطبق بر نظر امامان شیعه علیهم‌السلام است؛ به این معنا که ایشان با تأکید بر مبنا بودن قرآن کریم و سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بر فتاوا و احکامی که با تأثیر از اندیشه‌های انحرافی مانند ارجاء، رأی و قیاس صادر شده بود، خط بطلان کشیدند.
۱۰. نسبت دادن اتهامات به شیعیان برای بدبین ساختن سلاطین و حکام اسلام نسبت به ایشان که پیامد این مسأله، زجر و شکنجه شیعیان، عدم بهره‌مندی آنان از مراحم دولت‌ها، قانون، عدالت و معاشرت با اهل سنت و در نتیجه انزوای ایشان بود (شرف الدین، بی تا، ۱۴۶).
۱۱. موجه نشان دادن رفتار و کردار پادشاهان برای ظلم به شیعیان با توسل به کافر نشان دانستن آنان (شرف الدین، بی تا، ۱۶۲).
۱۲. بدکاری علمای دین و رشوه‌خواری قضاتی که حکم خدا را تبدیل نموده و شخصیت مسلمان‌ها را به بهای اندک می‌فروشد (شرف الدین، بی تا، ۱۶۲).
۱۳. حرص دنیا و جاه‌طلبی علمای دونه‌مت؛ از نظر شرف الدین دنیاطلبی عاملی است که سبب شده دسته‌ای از علمایی که ایشان را دجال و مفسد دانسته، برای رسیدن به مال و ریاست دنیا، حکم خدا را پشت سر انداخته و به دلخواه اربابان خود حکم کنند؛



چیزی که در بیان سید، سر بردن دین خدا در راه رسیدن به دنیا تعبیر شده است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۶۳).

۱۴. حسادت و بغی به اهل بیت علیهم‌السلام و وارد نمودن اتهامات بی‌اساس به آن حضرات علیهم‌السلام و شیعیان ایشان (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۷۰).

۱۵. تلاش فتنه‌جویان به منظور مهیا ساختن زمینه بر گشت دشمنان سابقه‌دار اسلام به منظور اداره جهان اسلام به طریقه اموی و یزیدی. در این خصوص شرف‌الدین از فتنه‌گران با عنوان «تفاله‌های بنی‌امیه» یاد کرده است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۷۲).

۱۶. حماقت و نادانی؛ علامه فتوای «نشاشی» علیه شیعه را ناشی از نهایت حماقت و نادانی او دانسته که سبب گفتن سخنان یاوه شده است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۷۳).

۱۷. انتشار خرافات و بدعت‌ها در جهان اسلام؛ شرف‌الدین با اعتراض به شیوه «المنار» که به اسم دعوت به اتحاد اسلامی به نشر عقاید یاوه‌سرایان و خرافه‌پرستان و تفرقه‌افکنان می‌پردازند، شیوه این مجله را نادرست و سبب رواج بدعت و خرافه دانسته است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۷۴).

۱۸. بی‌توجهی به قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در رابطه با سفارش به دوستی اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ شرف‌الدین در پاسخ به ابن خلدون که شیعیان را اهل ضلال دانسته، از بی‌توجهی او و همانندانش به آیات قرآن در وصف اهل بیت علیهم‌السلام شکایت دارد و آنان را به توجه در قرآن فراخوانده است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۸۴).

۱۹. دوری و کناره‌گیری اهل سنت از اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از عوامل بزرگ تفرقه دانسته شده است؛ در همین رابطه است که علامه از این که در کتب روایی عالمان اهل سنت، از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخنی نیامده گلایه می‌کند؛ این در حالی است که از روایان غیر موثق، جاعلان و حتی خوارج، فراوان نقل حدیث شده است. علامه این مسأله را از عوامل اصلی دور شدن اهل تسنن از شیعه دانسته است؛ برای ایشان این موضوع که بخاری علی‌رغم هم عصر بودن با امام حسن عسکری علیه‌السلام به هیچ یک از روایات اهل بیت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد نکرده، بسیار جانگداز است (شرف‌الدین، بی‌تا: ۱۸۱-۱۸۰).

۲۰. از دیگر عوامل تفرقه‌انداز میان شیعه و اهل تسنن نشر اکاذیب توسط نویسندگان قدیم و جدید است که علامه در این رابطه در فصل دهم کتاب «الفصول المهمة» به نقش ملل نویسانی چون ابن حزم در ازدیاد و تکثر فرقه‌ها و دامن زدن به اختلافات پرداخته و برخی اتهامات وارده او به شیعیان را ذکر نموده و پاسخ داده است. همچنین ایشان در اثبات کذب سخنان ابن حزم، اهل تسنن را به کتب امامیه در زمینه‌های مختلف فقه، اصول، تفسیر، حدیث، عقائد و... ارجاع داده است (شرف‌الدین، بی تا: ۱۶۷-۱۶۶). علاوه بر این علامه، از میان نویسندگان معاصر که قلم خود را به تأیید فتاوی شیوخی همچون ناشیسی در تکفیر شیعه و رواج اتهامات علیه این مذهب به خدمت گرفته‌اند، رشید رضا، نویسنده «المنار» را به سبب این تفرقه‌اندازی به شدت مورد انتقاد قرار داده است. برای آشکار شدن نقش رشید رضا در بروز فتنه در جامعه اسلامی، سخنان شرف‌الدین بهترین شارح است: «وَلَقَدْ اسْرَفَ مَنَارُ الْخَوَارِجِ بِمَا أَرْجَفَ وَأَجْهَفَ وَبَغَى وَطَغَى وَبَهَتَ الشَّيْعَةَ بَهْتَانًا عَظِيمًا [...] سَنَهَا فِي الْمَجْلَدَةِ التَّاسِعِ وَالْعِشْرِينَ غَارَةً مَلْحَاحًا أَوْ سَعَتَ قَلْبُ الدِّينِ وَاهْلَهُ جَرَحًا إِيْقَادَةً لِلْفِتْنَةِ وَتَمْسَكًا بِقَرْنِ الشَّيْطَانِ وَتَزْلَفًا لِّخَوَارِجِ الْقَرْنِ الرَّابِعِ عَشَرَ وَابْتِغَاءَ لِعَرْضِ الدُّنْيَا [...] نَشْرَ الْمَنَارِ دَعَايَتَهُ أَلَى النِّصْبِ وَالْخِرَافَاتِ وَالتَّفْرِيقِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ بِالتَّوْمِيَةِ وَالتَّرَهَاتِ، وَادْرَجَ لِذَلِكَ النَّاصِبِ الْكَاذِبِ رِسَالَةً خَالِيَةً الْوُطَابِ أَلَا مِنْ الْإِفْكِ وَاسْبَابِ، فَأَيْنَ النُّهْضَةُ الَّتِي يَزْعُمُ الْمَنَارُ قِيَامَهُ بِهَا عَلَى أَسَاسِ الْوَحْدَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَأَيْنَ مَا يَدْعِيهِ مِنْ مَجَاهِدَةِ الْبَدْعِ وَالْخِرَافَاتِ؟! هِيَاهُت [...]» (شرف‌الدین، بی تا: ۱۷۴-۱۷۳).

۲۱. بی احترامی؛ علامه شرف‌الدین در فصل دهم کتاب «الفصول المهمة» به بیان تکفیرها، تحقیرها، فحاشی‌ها و نیرنگ‌های وارده به شیعیان از سوی اهل سنت پرداخته و در آن تکفیر شیعیان در کتاب «فتاوی الحامدیه» از شیخ نوح حنفی، تحقیر و نسبت‌های دروغی که توسط علمای درباری بنی‌امیه و بنی‌عباس و سایر علمایی که از اشاعه مذهب شیعه هراس داشتند و نیز تکفیرها و توهین‌هایی که از سوی علمای بی‌خبر و ناآگاه از حقیقت مذهب شیعه انجام شده را بیان نموده و پاسخ داده است (شرف‌الدین، بی تا: ۱۶۵-۱۶۴).





ب. پیامدهای تفرقه میان شیعه و سنی

علامه شرف الدین در فصول مختلف کتاب «الفصول المهمة»، به منظور رفع اختلافات، به بیان پیامدهای تفرقه اندازی میان شیعه و سنی و نقش آن در سرنوشت ایشان که همان سرنوشت جهان اسلام می باشد مبادرت نموده که می توان آن ها را بدین ترتیب برشمرد:

۱. وارد شدن ضربه به پیکر اسلام؛ این مسأله از نظر شرف الدین، از حمله و ضربات بنی امیه نیز سخت تر و کوبنده تر دانسته شده است؛ تفرقه اندازی میان مسلمانان و افروختن آتش فتنه بین ایشان، به فرقه فرقه شدن اسلام و تکفیر هر فرقه توسط فرقه دیگر منجر شده است (شرف الدین، بی تا، ۱۶).

۲. شیوع فساد و هلاکت نسل ها (شرف الدین، بی تا، ۲۵).

۳. ریخته شدن خون های پاک و بی گناه اهل شهادتین در نتیجه فتاوی مغرضین (شرف الدین، بی تا، ۱۴۴).

۴. به اسارت رفتن زنان و کودکان مسلمان (شرف الدین، بی تا، ۱۴۴).

۵. ویرانی شهرها و آبادی های اسلام (شرف الدین، بی تا، ۱۴۴).

۶. نابودی عزت اسلام و تبدیل آن به ذلت و شکسته شدن اقتدار اسلام (شرف الدین، بی تا، ۱۴۵).

۷. عزت دشمنان اسلام و کمک به پیروزی ایشان (شرف الدین، بی تا، ۱۴۵).

۸. دور شدن از احکام الهی با تکفیر مسلمانان (شرف الدین، بی تا، ۱۴۵).

۹. تبدیل احکام، کوتاهی در انجام فرمان ها و حلال و حرام (شرف الدین، بی تا، ۱۶۵-۱۶۴).

ج. ارائه راه حل های رفع تفرقه (عناصر وحدت)

کار علامه تنها در ریشه یابی اختلاف و بیان نتیجه آن خلاصه نشده بلکه در فصول مختلف کتاب به طور ضمنی، به طرح راه حل های متعدد جهت خاموش کردن آتش اختلاف شیعه و اهل تسنن مبادرت نموده است:

۱. علم آموزی (شرف الدین، بی تا، ۱۶).

۲. تأمل در حقایق امور (شرف الدین، بی تا، ۱۶).

۳. دست کشیدن از تعصبات ناروا (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۶).

۴. توجه دادن مسلمانان به فراگیری اصل اسلام از منابع اصیل آن یعنی قرآن و روایات صحیح. آموزه‌های دینی مسلمانان مؤثرترین عامل در اثبات لزوم وحدت و تقریب است. علامه با اختصاص فصل اول کتاب خود به این آموزه‌ها و با برشمردن آیات و روایات صریح، تفرقه و جدایی مذاهب از یکدیگر را مخالف آموزه‌ها و دستورات دینی بیان کرده و اختلاف موجود را ناشی از عدم درک اخلاق اسلامی دانسته و فریقین را به تمسک به این دو منبع فراخوانده است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۶).

۵. ایجاد طرح دوستی و برپایی جلسات گفتگو و مناظره به منظور آشکار شدن حقیقت (شرف‌الدین، بی‌تا، ۴۴). این که علامه، فریقین را دعوت به برپایی جلسات گفتگو و مباحثه کرده، ریشه در سیره اهل بیت علیهم‌السلام دارد. از روایات رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام برمی‌آید که شیعیان را به مباحثه در مضامین احادیث و علوم فرا می‌خواندند؛ به گونه‌ای که در نقلی از امام علی علیه‌السلام به روایت از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، گفتگوی علمی، به منزله تسبیح و ستایش خداوند دانسته شده است (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۴۴۸)؛ در همین زمینه بود که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «خداوند رحمت کند بنده‌ای که علم را زنده می‌کند. گفتم: زنده کردنش چگونه است؟ فرمود: به این که با دینداران و پرهیزکاران در این راستا گفتگو کند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴۰/۱)؛ در روایتی دیگر نیز از ایشان آمده: «یک ساعت گفتگوی علمی بهتر از یک شب عبادت است» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۲۴۵).

۶. فراخواندن شیعه و اهل سنت به مشی سیاسی دنیای معاصر و گذشتن از سیاست دنیای گذشته که در پاره‌ای موارد همچون مسأله خلافت اختلاف برانگیز است؛ تحلیل علامه در این زمینه این است که چه دلیلی دارد مسلمان‌هایی را که به سیاست گذشته معتقد نیستند کافر بدانیم در صورتی که هیچ کس نمی‌گوید اسلام بر اساس خلافت استوار بوده و یا از اصول دین است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۵۳).

۷. افزایش چاپخانه‌ها و انتشار کتب در جهت آشکار نمودن حقیقت تشیع (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۶۴).



۸. دعوت از علمای اهل سنت به منظور اخذ عقاید امامیه از کتب و زبان علمای ایشان و نه منابع دشمنانی که در وارد کردن اتهامات به شیعه فروگذاری نمی‌کنند. سخن شرف‌الدین بر این پایه قرار دارد که هیچ مطلبی را نباید بدون سند و مدرک پذیرفت و مدارک و کتب شیعه در مباحث گوناگون فقهی، حدیثی، کلام، عقاید، تفسیر، اصول، دعا و... در اکثر شهرها موجود است (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۷۰).

۹. درخواست شرف‌الدین از پژوهشگران در امر تحقیق؛ شرف‌الدین با طرح این مطلب که علی‌رغم وجود فرقه‌هایی با عقاید غالبانه و خرافی همچون کرامیه، حائطیه در میان اهل سنت، شیعیان اعمال فرقه‌های غالی و منحرف را به پای اهل سنت حساب نکرده و هر عقیده را به صاحب آن منسوب می‌دانند، اهل سنت را به این مسأله توجه داده که ایشان نیز نباید بدون تحقیق، امامیه را در ردیف فرق غالیه قرار داده و درباره آن اظهار عقیده نمایند (شرف‌الدین، بی‌تا، ۱۸۹، ۱۷۵، ۱۶۵).

۱۰. تتبع در اخبار و تفحص در تواریخ و آثار شیعیان؛ علامه شرف‌الدین از مخالفان می‌خواهد تا در زمینه حکومت‌ها، علما، سیاستمداران و دانشمندان شیعی و سهمی که شیعیان در ساخت تمدن اسلامی ایفا نمودند مطالعه کنند. درخواست او این است که در بررسی تشیع به دروغ‌ها و زورگویی‌ها نسبت به شیعیان اعتماد نشود؛ چراکه با تحقیق می‌توان به حقیقت امر دست یافت. این مطلب در جملاتی که شرف‌الدین در کمال احترام و خطاب به المصطفی‌الصادق، نویسنده کتاب «تحت رایة القرآن» که شیعیان را مورد اهانت قرار داده دیده می‌شود (شرف‌الدین، بی‌تا، ۲۴۴).

نتیجه‌گیری

ریشه‌یابی اختلافات تشیع و تسنن و ارائه راه‌حل در جهت ایجاد تفاهم مذهبی، سید شرف‌الدین را همچون بسیاری از عالمان و متفکران از هر دو گروه اهل سنت و شیعه، به نگارش کتبی در این حوزه سوق داد که مهم‌ترین آن‌ها کتاب «الفصول المهمة فی تألیف الامة» است. سبک نگارش علامه در این کتاب، تاریخی، کلامی و روایی است. ایشان با بهره‌گیری از نص آیات قرآن کریم، احادیث و روایت حوادث و وقایع تاریخی به بررسی

دلایل جدایی و عداوت بین امت اسلامی پرداخته است. از نظر علامه مسأله اصلی جهان اسلام مربوط به تفرقه و جدایی میان دو مذهب تشیع و تسنن است. بنابراین محور اصلی این کتاب «ریشه‌یابی اختلافات» و «ایجاد وحدت» در دنیای اسلام بوده است.

با مطالعه این اثر می‌توان تعصب نابجای فریقین، عدم تدبر در منابع اصیل اسلام یعنی قرآن کریم و روایات، پذیرش جعلیات حدیثی و تاریخی، حرص و دنیاطلبی عده‌ای از عالم‌نماها، انتشار خرافات و بدعت‌ها و به ویژه دور شدن از اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ را مهمترین موانع تقریب فریقین دانست که سبب وارد شدن ضربه به پیکر اسلام و نابودی عزت و اقتدار آن از یک سو و قدرتمندی دشمنان این دین سراسر رحمت، از سوی دیگر است. در این بین علم‌آموزی مسلمانان، پرهیز از تعصبات ناروا و گرایش به انصاف فریقین در کنار رجوع مسلمانان به فراگیری اسلام راستین از طریق مراجعه به سرچشمه‌های آن یعنی قرآن کریم، سنت پیامبر و روایات اهل بیت ﷺ مؤثرترین راه‌حل‌ها در دستیابی به وحدت میان شیعه و اهل سنت دانسته شده است



منابع

۱. آمدی، عبدالواحد، **غورالحکم و درر الکلم**، ترجمه هاشم رسولی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۲. ابراهیم زاده، حسن، **پیکار با منکر در سیره ابرار**، ج ۱، قم، معروف، ۱۳۷۷ ش.
۳. ابن عابدین الحنفی، محمد امین بن عمر، **العقود الدریة فی تنقیح الفتاوی الحامدیة**، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۸ ق.
۴. احمدی میانجی، علی، **التبرک**، تهران، مشعر، ۱۴۲۲ ق.
۵. اسماعیلی، محسن، **اصلاح طلبی از دیدگاه شهید مطهری، پژوهش نامه حقوق اسلامی**، بهار و تابستان، ش ۶ و ۷، ۱۳۸۱ ش، صص ۳۵-۳۰.
۶. امینی، عبدالحسین، **الغدیر**، ج ۱۳، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۸ ش.
۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، **شیخ محمود شلتوت، طلایه دار تقریب**، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۸. تهرانی، آقابزرگ، **طبقات اعلام الشیعه**، ج ۳، بی جا، دارالمرتضی للنشر، ۱۴۰۴ ق.
۹. جعفریان، رسول، **اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری**، قم، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. جناتی، محمد ابراهیم، **منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی**، بی جا، بی نا، ۱۳۶۷ ش.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، **شرف الدین**، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. دوانی، علی، **اجتهاد در مقابل نص**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. ذاکری، محمد، **اندیشه های تقریبی علامه شرف الدین**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. رضوانی، علی اصغر، **غدیرشناسی و پاسخ به شبهات**، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر، **موسوعة طبقات الفقهاء**، ج ۱۴، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ ق.

۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، رسایل و مقالات تبحر فی مواضع فلسفیه و کلامیه و فقهیه و فیها الدعوة الی التقریب بین المذاهب، ج ۲، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۹ق.
۱۷. سبحانی تبریزی، جعفر، تذکرة الأعیان، ج ۲، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۹ق.
۱۸. سرافراز، محمود و رحیم صبور، بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه، **مجله شیعه پژوهی**، ش نهم، ۱۳۹۵ش، صص ۵۱-۶۸.
۱۹. شرف الدین، عبدالحسین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، تهران، الاعلام الخارجی لمؤسسة البعثة، بی تا.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، **الأمالی**، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثة، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۱. فخلعی، محمدتقی، **مجموعه گفتمان های مذاهب اسلامی**، ج ۱، تهران، مشعر، ۱۳۸۳ش.
۲۲. قلی زاده، مصطفی، **شرف الدین، چاووش وحدت**، قم، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۲، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۴. اللجنة العلمیة، **معجم طبقات المتکلمین**، ج ۵، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
۲۵. مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه أو اللقب، ج ۳، تهران، خیام، ۱۳۶۹ش.
۲۶. مفید، محمد بن نعمان، **الاختصاص**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

